مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.
همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمداً اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.
مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

نگرانی عربستان از قدرت گرفتن شیعیان در یمن

Bloomberg

محمد حاتم و گلن گری: سیدعبدالمالک الحوثی، رهبر حوثی‌های یمن در سخنرانی تلویزیونی نیم ساعته خود در هفتم فوریه به هزاران هوادار خود که در ستادیوم بزرگ ورزشی صنعا گرد آمده بودند، اعلام کرد پارلمان را منحل کرده است. وی در عین حال قول داد با همه طرف‌ها گفت‌وگو و یمن را به نیرویی برای «برقراری ثبات و صلح» تبدیل کند.

پیام آشتی‌وی با دادوستد سخنرانی‌های سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان است. حامیان الحوثی که در استادیوم صنعا گرد هم آمده بودند با شعار «مرگ بر آمریکا- مرگ بر اسرائیل» به سخنان الحوثی پاسخ دادند. قدرت گرفتن حوثی‌ها موجب نگرانی عربستان و متحدانش در منطقه خلیج‌فارس درباره نفوذ یک جناح تندرو شیعه تحت حمایت ایران، در امتداد مرز جنوبی عربستان- که بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت خام در جهان است- شده است. عربستان پارسال حوثی‌ها را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد. گروه حوثی یک گروه شیعه‌نظامی شیعه است که سال ۲۰۰۴ توسط براتر عبدالمالک الحوثی تشکیل شد. مصطفی الآلبی، تحلیلگر مرکز پژوهش خلیج‌فارس در ژنو گفت: «ارتباط حوثی‌ها با ایران بشدت مایه نگرانی است. حوثی‌ها در درازمدت حتی ممکن است خطرناک‌تر از القاعده شوند. به اوضاع لبنان نگاه کنید؛ حزب‌الله به قدرتمندترین نیروی سیاسی در آن تبدیل شده است.»

الحوثی زمانی خلأ سیاسی را در یمن پر کرد که عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهور نتوانست در پی اعتراضات پس از سرنگونی رئیس‌جمهور قبلی در سال ۲۰۱۲، در کشور ثبات برقرار کند. هادی ۲۲ ژانویه استعفا کرد و هفته گذشته، آمریکا، انگلیس و فرانسه سفارت‌خانه‌های خود را در صنعا تعطیل کردند.

به گفته آلبی، عربستان که ۱۶ فوریه حوثی‌ها را به کودتا متهم کرد، گزینه‌های محدودی پیش رو دارد. سعودی‌ها می‌توانند میلیاردها دلار کمکی را که متعهد شده بودند، به یمن نپردازند اما این قطع کمک تنها احتمال دارد موجب وخامت بحران اقتصادی این کشور شود. شیعیان و سنی‌ها از همان دوران نخست تاریخ اسلام اختلاف داشتند. عربستان که کشوری سنی و ایران که کشوری شیعه است، برای نفوذ در منطقه خاورمیانه رقابت می‌کنند و معمولاً در بحران‌های منطقه‌ای، در یک جبهه قرار نمارند. در سوریه، مبارزان حزب‌الله از بشار اسد، رئیس‌جمهور در برابر شورشیان سنی حمایت می‌کنند. در عراق نیز دولت این کشور که تحت رهبری شیعیان است، با جنگجویان سنی داعش مبارزه می‌کند. الحوثی که در خارج از کشورش چندان مشهور نیست، یکی از ۱۶ فرزند سیدبدرالدین، عالم مذهبی یمنی است. وی ۳۶ ساله است و با تحصیلات آموزشی محدود رسمی، قرآن را در صعده، واقع در شمال یمن که یک ساعت با مرز عربستان فاصله دارد، فراگرفته است. عبدالمالک الحوثی، از بستگان الحوثی و عضو شاخه سیاسی حوثی‌ها، عبدالملک الحوثی زمانی که جوان‌تر بود، مدتی را همراه پدرش در ایران گذرانده بود.

بنابر اعلام محمد عیش- خبرنگار یمنی که به تازگی با الحوثی دیدار کرده است- الحوثی معمولاً صعده را ترک نمی‌کند و برای اینکه از سوقصد احتمالی به جان خود در امان بماند، محل اقامت خود را گاه به گاه تغییر می‌دهد. الهجری گفت: «اینکه الحوثی از مشورت شورایی مشکل از افراد مسن‌تر بهره می‌گیرد اما «تصمیم نهایی با اوست». برادرش سیدحسین، جنبش حوثی‌ها را برای مقابله با سلفی‌های تحت حمایت عربستان- سنی‌های محافظه‌کاری که به دنبال نفوذ در صعده بودند- بایه‌گذاری کرد. به گفته حوثی‌ها، سران یمن آنها را در پایتخت به حاشیه رانده بودند. این گروه از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ جنگ پراکندهای علیه دولت به راه انداخت. پس از کشته شدن حسین در درگیری‌ای در یک دهه پیش، عبدالملک الحوثی رهبری این گروه را برعهده گرفت. وی مانند سیدحسن نصرالله، سخنرانی تلویزیونی خود را مقابل صفحه‌ای آبی‌رنگ از مکانی ناملوم ایراد می‌کند و مانند دبیرکل حزب‌الله لبنان در سخنرانی خود از الفاظ مذهبی و لحنی خونسرد استفاده می‌کند و اغلب علیه مداخله بیگانگان در کشورش هشدار می‌دهد. حامیان الحوثی و سیدحسن نصرالله، هر دو را «سید» خطاب می‌کنند. ماجد المناهجی، تحلیلگر سیاسی مقیم صنعا گفت: الحوثی «به طور عمده تحت تاثیر و نفوذ دیگر جنبش‌های شیعه در منطقه است. او از حزب‌الله الهام می‌گیرد».

الحوثی اولین‌بار سال ۲۰۱۴ هدایت گروه خود را برای تصرف بخش گسترده‌ای از خاک یمن برعهده داشت. وی ماه سپتامبر، صنعا را تحت کنترل درآورد و سپس در ماه اوکتوبر کاخ ریاست‌جمهوری را اشغال کرد.

حوثی‌ها در حال حاضر بخش عمده غرب یمن از جمله دومین بندر بزرگ این کشور، پایگاه‌های نظامی و فرودگاه صنعا و یک انبار تسلیحات در عمران واقع در ۵۰ کیلومتری شمال پایتخت را تحت کنترل درآورده‌اند. آنها گاه‌ و رئیس‌جمهوری، نیروهای مبارزه با تروریسم که برای مبارزه با القاعده توسط آمریکا مجهز به سلاح شده‌اند و باگ‌های صلح به تانک و سامانه‌های راکتی اسکاد ساخت روسیه را تحت کنترل خود درآورده‌اند.

حوثی‌ها در یک سخنرانی تلویزیونی با دفاع از موضع خود اعلام کرد قصد ندارد از تصمیمش برای کنترل دولت صرف‌نظر کند. وی همچنین به کشورهای غربی بویژه آمریکا، فرانسه و انگلیس علیه هرگونه دخالت در امور یمن هشدار داد.

علی عماد، از رهبران بلندپایه گروه حوثی یمن نیز می‌گوید: «ما نتایجاو برقراری روابط حسنه با همه کشورها به جز اسرائیل قصد داریم. ما خواستیم با همه کشورها گفت‌وگو کنیم. ما هیچ محوری را نداریم اما خواسته ما این است که حق حاکمیت‌مان محترم شمرده شود».

پایگاه‌اینترنتی بلومبرگ

روایت سناتور سابق از سفر به تهران

ساراتاوی: در حالی که مذاکرات برای جلوگیری از گسترش برنامه هسته‌ای ایران به میانه راه خود رسیده است، «جیم اسلتری» نماینده سابق کنگره آمریکا از ایالت کانزاس درباره سفر اخیرش به تهران و چشم‌اندازش درباره مذاکرات کنونی که بیشتر بر ماتکرات رو در رو درباره روابط ایران و آمریکا متمرکز شده است، با جاربارا اسلایون» عضو ارشد شورای آتلانتیک بحث کرد. دیدگاه وی نگاه کلی و ارزشمندی درباره فضای موجود در ایران در این زمان حساس فراهم کرد.

در مذاکرات کنونی میان آمریکا و متحدانش در ۵+۱ (روسیه، فرانسه، انگلیس، چین و آلمان) و ایران، بسیاری بر ویژگی‌های تکنیکی توافق احتمالی برای جلوگیری از توانمند شدن ایران برای ساخت بمب، اتم، تمرکز کردهاند. در حالی که برخی درباره تعداد دستگاه‌های سانتریفیوژی که ایران مجاز است آنها را فعال نگه دارد یا درباره زمانی که ایران نیاز دارد تا اورانیوم غنی‌شده لازم برای ساخت بمب‌اتم تولید کند، تمرکز کردهاند. در نهایت نتیجه مذاکرات به خود مذاکره کنندهها بستگی دارد. دیدگاهها درباره زمانی که ایران برای ساخت بمب اتم نیاز دارد، بین ۶ ماه تا ۴ سال تفاوت دارد. با این حال بی‌اعتمادی و نبود رابطه شخصی میان تاثیرگذاران سیاسی آمریکا و ایران ویژگی‌ای است که در دیدگاه‌های عمومی درباره مذاکرات کنونی نادیده گرفته می‌شود.

دسامبر ۲۰۱۴ اسلتری برای سفر به تهران دعوت شد. به گفته خودش، این نخستین باری بود که پس از پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، یکی از اعضای کنگره آمریکا برای سفر به تهران دعوت می‌شد. اسلتری متل «ایزیهلر» رئیس‌جمهور پیشین کنگره به دیپلماسی مردم با مردم- شیوه‌ای که مردم با یکدیگر آشنا می‌شوند و ارتباط برقرار می‌کنند- معتقد است.

اسلتری گفت: «یکی از بزرگترین مشکلاتی که اکنون باید بر آن غلبه کنیم جهل است.» و افزود: «هر گفت‌وگویی با اعضای کنگره از اینکه اطلاعات آنها چقدر درباره ایران لندک است، شگفتزده می‌شوم». وی معتقد است غلبه بر جهل برای موفقیت در مذاکرات هسته‌ای بسیار حیاتی است. چگونه می‌توان از قانونگذاران آمریکا انتظار داشت هدفمند تصمیم‌گیری کنند زمانی که بسیاری از آنها در وهله نخست احساس خوبی درباره مذاکرات هسته‌ای با ایران ندارند؟

در جلسه اخیر کمیته روابط خارجی مجلس سنا درباره مذاکرات هسته‌ای ایران، سناتور جمهوریخواه «مارکو روبیو» ایران را به عنوان کشوری کوچک که توسط فردی اداره می‌شود که می‌خواهد بین کشورهای مسلمان و غیرمسلمان رقابت باشد و افزود: ایرانی‌ها هر چیزی را که غیرمسلمانی باشد، رد می‌کنند. درک مردم ایران از طریق بسیاری از کلیشه‌های شرق‌شناسی در میان متوسط آمریکایی‌ها (یا متوسط قانونگذاران آمریکایی) و نیز کشورهای مسلمان باعث شده است آنها درباره مذاکره با ایران نگران شوند. انتقاد از مذاکرات آسان اما مذاکره برای دستیابی به توافقی خوب دشوار است. احترام و درک دیدگاه طرف مقابل در روند مذاکرات اجتناب‌ناپذیر است. اسلتری امیدوار است فرصت‌های بیشتری برای تعامل به شکلی که اعضای کنگره آمریکا با همتایان در پارلمان ایران ارتباط برقرار کنند، بوجود آید وی گفت: «اکنون لحظه‌ای تاریخی برای ما است». اسلتری در پاسخ به سوالی درباره اینکه مذاکرات هسته‌ای چه تاثیری بر روابط آمریکا و اسرائیل دارد. تاکید کرد نباید اجازه داد سیاست‌های داخلی بر مذاکرات تاثیر منفی داشته باشد و خاطرنشان کرد: «کنون در لحظه‌ای تاریخی قرار داریم تا توافقی شکل دهیم برای اینکه مطمئن شویم ایران بمب اتم نمی‌سازد». اسلتری گفت: «اگر درباره برنامه هسته‌ای ایران به توافق برسیم، بدون تردید توافق‌های بسیاری از اسرائیلی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران بر طرف خواهد شد» وی خاطرنشان کرد: روابط قوی‌تر میان ایران و آمریکا می‌تواند زمینه را برای بحث‌های بیشتر درباره موضوعات منطقه‌ای مثل حزب‌الله و حماس نیز فراهم می‌کند. نتایاهو که با مذاکرات هسته‌ای مخالف است با کنگره برای افزایش تحریم‌ها علیه ایران علنی خواهد کرد. برخی نمایندگان کنگره آمریکا هنوز نتوانسته‌اند درباره شرکت کردن یا نکردن در سخنرانی نتانیاهو تصمیم‌گیری کنند. در پایان این گفت‌وگو اسلتری این سوال را مطرح می‌کند: چرا ما از کسب اطلاعات بیشتر درباره ایران هراس داریم؟ چرا می‌ترسیم با مردم ایران سخن بگوییم و درباره آنها اطلاعات کسب کنیم؟

پایگاه خبری نوکس آف هزارد

مشکلات سیاسی پیش روی نتانیاهو

THE NATIONAL INTEREST

پل پیلار: یک نظرسنجی که اخیرا انجام شده است، تایید‌کننده نتایج نظرسنجی‌های قبلی و دیدگاه‌های بسیاری از ناظرانی است که درباره نگرانی‌های افکار عمومی اسرائیل در آستانه برگزاری انتخابات سراسری ماه آینده، اظهارنظر کردهاند. در نظرسنجی اخیر که در آن ۶ هزار مصاحبه‌شونده از این سوال پرسیده شده است که کدامیک از اولویت‌های دولت اسرائیل باشد؟ ۴۸ درصد افراد اعلام کردند دولت اسرائیل باید به «موضوعات اقتصادی» رسیدگی کند. ۱۹ درصد اعلام کردند رابطه با فلسطینیان باید از اولویت‌های دولت تل‌آویو باشد و ۱۴ درصد نیز موضوع آموزش و اعلام کردند. در این میان تنها ۱۰ درصد اعلام کردند دولت اسرائیل باید مقابله با «تهدید ایران» را در اولویت کارهای خود قرار دهد. بی‌تاثی در منطقه، گزینه «دیگر موارد» و «نمی‌دانم» نیز در مجموع ۱۱ درصد را به خود اختصاص داده است. در مقایسه با نظرسنجی‌ای که ۳ سال پیش با همین مضمون انجام شد، «موضوعات اقتصادی» توجه شمار بیشتری از افراد را به خود جلب کرده است. در مقایسه با ۳ سال قبل، شمار افرادی که موضوعات اقتصادی را از اولویت‌های دولت اسرائیل می‌دانستند ۵درصد افزایش داشته است. براساس این گزارش، شمار افرادی که «تهدید اقتصادی» را از اولویت‌های تل‌آویو می‌دانستند ۲درصد کاهش یافته است. با توجه به میزان فزایندهٔ اظهارنظرهای مقامات اسرائیلی درباره موضوع ایران و تهدیدی که آنها از ایران متصور هستند، بسیار قابل توجه است که افکار عمومی اسرائیل توجه کمتری به این موضوع نشان دادهاند. با بررسی ۲ حقیقت برجسته درباره اقتصاد اسرائیل می‌توان به دلیل اصلی دغدغه‌ها و نگرانی‌های اسرائیلی‌ها در این زمینه پی برد. نخست اینکه اسرائیل دارای اقتصادی شکوفا و پویاست. نبایدا جازه دهیم کمک سالانه ۳ میلیارد دلاری آمریکا به اسرائیل سبب شود به این باور باشیم که اسرائیل به این پول نیاز دارد. اسرائیل از سرانه تولید ناخالص بالایی برخوردار است. اما دومین مورد آن است که طی چندین سال گذشته دولتی راستگرا اداره امور را در اسرائیل در دست داشته است البته این موضوع جای تعجب ندارد به این حال، اسرائیل یکی از اعضای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی است که درآمدهای اقتصادی بعموتری بشدت نابرابر در میان جمعیت آن تقسیم می‌شود. موفقیت اسرائیل در زمینه فناوری موجب شکوفایی دیگر بخش‌های اقتصادی نشده است، با وجود شکوفایی اسرائیلی‌ها در مجموع، بسیاری از شهروندان عادی اسرائیل در تلاش برای بهبود شرایط اقتصادی خود هستند.

این موضوع بویژه درباره افراد جوان صدق می‌کند که در تلاش برای خرید خانه‌ای برای خود هستند.

ارائه چنین الگویی را که بسیار دراماتیک‌تر از نظرسنجی‌های عمومی است می‌شد طی برگزاری تظاهرات خیابانی در تابستان سال ۲۰۱۱ مشاهده کرد. زمانی که بسیاری از اسرائیلی‌ها در آن شهر می‌دانند: «ما خواستار اجرای عدالت اجتماعی هستیم»؛ به در نظر گرفتن میزان جمعیت اسرائیل و با توجه به صدها هزار نفری که در این تظاهرات شرکت کرده بودند می‌توان گفت حجم این تظاهرات بسیار بیشتر و بزرگ‌تر از تظاهرات جنبش «سخبیر یال‌استریت» در آمریکا بوده است.

این موضوع می‌تواند برای گروه چپ میانه اسرائیل جالب توجه باشد. افکار عمومی اسرائیل در مقایسه با افکار عمومی آمریکا در قبال رفاه اجتماعی بسیار متبرتر است و آسان‌تر با کسری بودجه هزینه‌های بخش‌های دولتی کنار می‌آید. روشی که حزب لیکود و دیگر گروه‌های راستگرا برای مقابله با این آسیب‌پذیری در نظر گرفته‌اند، تلاش برای تغییر تمرکز افکار عمومی و منحرف کردن آن به سوی موضوعات امنیتی و خطر هراس در میان افکار عمومی اسرائیل در قبال برخی مسائل با وجود برتری نظامی اسرائیل در منطقه است. تل‌آویو در هر سطح از نظر نظامی بر کشورهای متعلقه برتری دارد با لااقل این را اینگونه جلوه می‌دهد که می‌تواند از اسرائیلی‌ها در برابر هرگونه تهدید و هراسی حفاظت کند. از نظر بتیامین نتانیاهو، توهم ایران و بویژه برنامه هسته‌ای این کشور در کانون این راهبرد سیاسی قرار دارد. زمانی که نتانیاهو به واشنگتن برود و در کنگره آمریکا سخنرانی کند، تلاش خواهد کرد با متوسل شدن به روش‌های مختلف، موضع سیاسی خود را در داخل اسرائیل تقویت کند. یکی از این روش‌ها آن است که اگر او نتواند در روند دستیابی به توافقنامه هسته‌ای- که سبب محدود شدن برنامه هسته‌ای ایران می‌شود- اختلال ایجاد کند، می‌تواند به لفاظی‌های خود درباره تهدید ایران به روش همیشگی و نامحدود خود ادامه دهد اگر او بتواند مانع دستیابی به توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ شود می‌تواند سبب بروز وحشت میان ایران شود. با این حال، این سخنرانی این امکان را فراتر از زمان کنونی شود. در همین حال، این سخنرانی این امکان را به نخست‌وزیر اسرائیل می‌دهد تا باز دیگر به کنگره آمریکا ممیزان زیونی اسرائیل را نشان دهد. او در عین حال می‌تواند به رأی‌دهندگان اسرائیلی اطمینان دهد اوضاع تا جایی که به سیاست‌های آمریکا مربوط می‌شود، کاملا تحت کنترل او است. هر چند او روابط خوبی با رئیس‌جمهور آمریکا ندارد. شاید درباره استفاده نتانیاهو از سخنرانی‌اش در کنگره برای اهداف انتخاباتی شک و تردیدی وجود نداشته باشد زیرا اختلاف سیاسی نتانیاهو در انتخابات فوق‌العاده در اسرائیل در سال ۲۰۱۳، کمپین تبلیغاتی‌ای را به راه انداخت و در آن از تصاویر سخنرانی نتانیاهو در کنگره آمریکا استفاده کرد که با استقبال و ستایش اعضای کنگره آمریکا مواجه شده بود. این اتفاق در این تبلیغات همچنین از تصویری استفاده کرد که در آن نخست‌وزیر اسرائیل با نمایش تصویری از بمب ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخنرانی کرده بود. این تبلیغ حاوی این پیام بود: «هرگاه نتانیاهو سخن بگوید جهان به آن گوش فرامی‌دهد».

این موضع همچنین سبب ارائه مشوقی سیاسی برای دولت اسرائیل می‌شود تا بتواند سیاست خارجی آمریکا را زیر سوال ببرد و با این اقدام بنوانند آزادی عمل بیشتری را در خاورمیانه محدود کند و بهترین فرصت موجود برای جهان را به متظور ابراز اطمینان از صلح‌آمیز باقی ماندن برنامه هسته‌ای ایران از بین ببرد.

پایگاه‌اینترنتی نشنال‌اینترست

مشکل واقعی توافق با ایران

گوت پوترز: باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا چندی پیش در جمع خبرنگاران این سوال را مطرح کرد: آیا ایران برای رسیدن به توافق، میل و اراده سیاسی دارد؟

وی گفت: «ایران باید بتواند به یکبود اما نمی‌دانیم کی این اتفاق می‌افتد. آنها تندروهایی دارند و سیاست‌هایی دارند».

تصور می‌شود «سیاست» مقع موافقت ایران با خواسته‌های آمریکا در مذاکرات می‌شود.

اینگونه از اظهارات اوباما پرداشت می‌شود که خواسته‌های آمریکا ماهیتی متعلق و فنی دارد. پیشنهاد آمریکا درباره ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم ایران بر پایه مفهوم «طرار هسته‌ای» قرار دارد اما ایران اکنون از قابلیت «طرار هسته‌ای» برخوردار است به این معنا که قابلیت غنی‌سازی کافی اورانیوم را تا حد تولید یک بمب در ۶ ماه آینده دارد.

«رابرت آیتچیون» مذاکره‌کننده هسته‌ای عراق، ماه گذشته در مقاله بتلدبالایی دلیل ناکام ماندن مذاکرات را تا به امروز تجزیه و تحلیل کرد و «اختلافات عمیق میان مقامات ایران و بویژه موضع رهبر عالی ایران» را دلیل این ناکامی دانست. آیتچیون به سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۴ ژانویه اشاره کرد و به نقل از وی گفت: «ما باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که حتی اگر دشمن تحریم‌ها را لغو نکند، هیچ ضربه‌ای پیشرفت ملت را در هم نشکند».

وی گمان می‌کند آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است ملت را در این می‌تواند بدون توافق زندگی کند که این جمله به این معناست که وی در واقع مایل به توافق نیست. اما نکته مهم در سخنان رهبر عالی ایران، جمله‌ای درباره اهداف و نیات آمریکاست: «آمریکایی‌ها با کمال بی‌شرمی می‌گویند حتی اگر ایران درباره مساله هسته‌ای مصالحه کند، تحریم‌ها همزمان لغو نخواهد شد».

وی افزود: «آیت‌الله خامنه‌ای اینگونه نتیجه‌گیری کرد: «این مساله نشان می‌دهد دشمن نمی‌تواند قابل اعتماد باشد».

در واقع این اظهارات نشان می‌دهد رهبر عالی ایران درباره تمایل آمریکایی‌ها به توافق هسته‌ای تردید دارد.

آیتچیون تاکید کرد این اظهارات نشان می‌دهد آیت‌الله خامنه‌ای عمیقا درباره ارزش هر توافقی تردید دارد.

آنچه در تحلیل‌های آیتچیون و رویکرد آمریکا در مذاکرات با ایران از قلم افتاده، این است که سیاست ستیزجویانه چند دهه‌ای گذشته در قبال ایران، مقامات امنیت ملی این کشور را وادارنامه است درباره راهبرد ایران برای مذاکرات با آمریکا به متظور رسیدن به هدف اصلی تهران که لغو تحریم‌هاست، بشدت فکر کنند.

در واقع رهبر عالی ایران ساده‌اندیش نیست. وی در هر تصمیم مهمی که به امنیت ملی این کشور مربوط می‌شود، بشدت دخیل است.

وی اولین نمایندگان آیت‌الله روح‌الله خمینی بتیانگذار جمهوری اسلامی ایران در شورایعالی امنیت ملی در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ میلادی و رئیس‌جمهوری این کشور در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۹ میلادی بوده است.

غرب و همچنین آیت‌الله رفسنجانی رئیس‌جمهوری اسبق ایران از آیت‌الله علی خامنه‌ای به دلیل حمایت نکردن از مذاکرات با آمریکا در سال ۱۹۸۹ میلادی و همچنین پس از پیروزی محمد خاتمی رئیس‌جمهوری ایران در سال ۱۹۹۷ میلادی انتقاد کردهاند.

آنچه متتقدان چنین تصمیم‌گیری سیاسی در نظر نگرفته‌اند این است که برخی در ایران سعی داشتند در هر دو مورد با آمریکا از موضع ضعف مذاکره کنند رهبر عالی ایران مخالف چنین چیزی است که ایران از موضع ضعف مذاکره کند و آمریکا از موضع قدرت.

«الین شیلبنت» خبرنگار نیویورک‌تایمز در سال ۲۰۰۵ میلادی در کتابش به نقل از محمدجواد ظریف، معاون وقت وزیر امور خارجه ایران به توضیحاتی درباره علت مخالفت ایران با مذاکرات با آمریکا در آن زمان اشاره کرد: «آمریکا بیشتر کارت‌ها را در دست دارد. ما زمانی که خاتمی خواستار گفت‌وگوی تمدن‌ها شد، کارت‌های خود را رو کردیم. آمریکا زمانی کارت خود را رو کرد که از لحن متفی در قبال ما دست برداشت. اکنون آمریکا می‌خواهد بقیه کارت‌هایش را نگه دارد اما از ما می‌خواهد همه کارت‌هایمان را رو کنیم. آمریکا می‌خواهد مذاکره کند و در عین حال همچنان تحریم‌هایی را حفظ کند. ما می‌گوییم شما نمی‌توانید همه کارت‌ها را نگه دارید. این کار نه به نفع ما و نه نفع شماست».

آیت‌الله خامنه‌ای و ظریف هر دو معتقدند آمریکا سعی دارد ایران را به قبول توافق دیرفته عادی‌سازی متاسبات به‌گونه‌ای وادارد که براساس آن واشنگتن به تحریم‌ها علیه ایران ادامه دهد.

تحلیلگران ایرانی معتقدند برای داشتن مذاکراتی موفقیت‌آمیز با آمریکا باید کارت‌های بیشتری جمع‌آوری کرد. ایران در نظر داشت ظرف چند سال آینده تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم بسازد.

آمریکا چنین تاسیساتی را گواهی بر برنامه تسلیحات هسته‌ای مخفیانه ایران دانست اما شواهد نشان می‌دهد آیت‌الله خامنه‌ای و مشاوران در واقع روی برنامه غنی‌سازی اورانیوم برای به دست آوردن کارت‌های بیشتری در مذاکرات با آمریکا حساب می‌کنند.

«جلیل روشندل» کارشناس علوم سیاسی که در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ درباره پروژه تحقیقاتی برای اندیشکده وزارت امور خارجه ایران کار می‌کرد گفت شخصیت‌های بقفوذی که وی با آنها مصاحبه کرده است بر این باورند برنامه غنی‌سازی اورانیوم ابزار چانه‌زنی است که می‌توان در مذاکرات با آمریکا از آن برای لغو تحریم‌ها استفاده کرد.

روشندل که اکنون در دانشگاه کارولینای شرقی تدریس می‌کند، خاطرنشان کرد: علی‌اکبر ولایتی که ۱۶ سال وزیر امور خارجه ایران بوده و یحیی صفوی، معاون فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در سال ۱۹۹۷ فرمانده کل شد، از جمله کسانی بودند که چنین باوری داشتند.

آیت‌الله خامنه‌ای به‌خوبی می‌داند این فرصتی است تا ایران با کارت‌های خود برای لغو تحریم‌ها بازی کند اما به نظر می‌رسد آمریکا می‌خواهد از کارت تحریم‌ها برای واداشتن ایران به موافقت با کاهش ۷۵ درصدی ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم استفاده کند و در عین حال همه تحریم‌ها را در کوتاه‌مدت لغو نکند.

مشکل دوم این است که قابلیت‌های غنی‌سازی ایران در دیدگاه عموم هسته‌ای خود برای لغو تحریم‌ها بازی کند اما به نظر می‌رسد آمریکا می‌خواهد از کارت تحریم‌ها برای واداشتن ایران به موافقت با کاهش ۷۵ درصدی ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم استفاده کند و در عین حال همه تحریم‌ها را در کوتاه‌مدت لغو نکند.

در نتیجه این متعلقی است که تصور شود اگر متابع اطلاعاتی اعلام کنند تلاش‌هایی برای ایجاد چنین پایگاهی وجود دارد، اسرائیل آن را بمباران خواهد کرد.

هشدار درباره این مسالله ممکن است ایران و حزب‌الله را از تلاش در این زمینه بازدارد. حضور آنها در نزدیکی هسته‌ای جولان به معنای ملتهب بودن اوضاع و نشان‌دهنده خطرناک بودن وضعیت در جنوب سوریه است.

جروزالم پست

جبهه جدید ایران و حزب‌الله علیه اسرائیل

THE JERUSALEM POST
Israel's best-selling English daily and most-read English website

یاکوا پین: جنگ داخلی در سوریه عرصه را برای فعالیت حزب‌الله لبنان و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی [ایران] در جنوب سوریه باز کرده است.

تنها چند هفته بعد از کشته شدن ۶ نفر از اعضای حزب‌الله لبنان و یکی از نیروهای سپاه ایران در جنوب سوریه، خبرها در روزهای اخیر حاکی از حضور نیروهای شیعه مورد حمایت ایران در این منطقه است.

براساس گزارش رسانه‌های بین‌المللی، در حمله هوایی اسرائیل در ۱۸ ژانویه، ۲۸ دی این افراد کشته شدند. متابع اطلاعاتی غربی مدتی بعد از این حادثه اعلام کردند گروه مورد هدف قرار گرفته، در حال طراحی یک اقدام تروریستی علیه اسرائیل بودند.

در واقع جنگ داخلی در سوریه به حزب‌الله اجازه داده است نفوذ خود را از مقر خود در جنوب لبنان تا جنوب سوریه گسترش دهد.

اکنون به نظر می‌رسد همان نیروها به متطقه بازگشته‌اند اما ۲ تفاوت اساسی وجود دارد. برخلاف ماه گذشته، نیروهای شیعه‌نظامی شیعه در حال حاضر بشدت درگیر جنگ با گروه‌های شیعه‌نظامی سلفی و در تلاش برای بازپس‌گیری متاطقی به نفع رژیم بشار اسد هستند. همچنین برخلاف ماه گذشته، نیروهای مورد حمایت ایران به مرز با اسرائیل نزدیک نشده‌اند؛ هر چند در مجاورت نسبی آن قرار گرفته‌اند البته این شرایط ممکن است موقت باشد. حزب‌الله و ایران همچنان در تلاشند در جنوب سوریه برای جوان پایگاهی ایجاد کنند و با این کار ۲ هدف را دنبال می‌کنند: از یک‌سو شورشیان سوری را عقب می‌رانند، از طرف دیگر جبهه ایران در برابر اسرائیل را از لبنان تا سوریه گسترش می‌دهند. حقیقت این است که نیروهایی که امروز با شورشیان در سوریه می‌جنگند، هیچ تضمینی وجود ندارد فردا اسلحه‌ها، موشک‌ها و تروریست‌های آموزش دیده خود در جنوب را علیه اسرائیل نشانه نروند.

براساس گزارش‌های خارجی، تل‌آویو تمایل خود را به استفاده از قدرت نظامی متقضی و مرگبار برای ممالعت از تشکیل یک پایگاه تروریستی مورد حمایت ایران نشان داده است.

در نتیجه این متعلقی است که تصور شود اگر متابع اطلاعاتی اعلام کنند تلاش‌هایی برای ایجاد چنین پایگاهی وجود دارد، اسرائیل آن را بمباران خواهد کرد.

هشدار درباره این مسالله ممکن است ایران و حزب‌الله را از تلاش در این زمینه بازدارد. حضور آنها در نزدیکی هسته‌ای جولان به معنای ملتهب بودن اوضاع و نشان‌دهنده خطرناک بودن وضعیت در جنوب سوریه است.

پایگاه‌اینترنتی آتی‌وار

بی‌بی‌سی؛ بی‌عدالت، بی‌اعتبار، سیاست‌زده

نگاه ادامه از صفحه اول

با نگاهی به موضوعات مورد پیگیری در برنامه «هویت شما» به این موارد برخورد می‌کنیم:

«اعتراض و اعتصاب کارگران و معلمان در ایران» (موضوع بحث در ۱۴ بهمن) و «آیا با لغو جهانی مجازات کفرگویی موافقید؟» (۱۰ بهمن). این موارد، نمونه‌های کوچکی از برنامه‌های شبکه بی‌بی‌سی فارسی است که عمدتا هدف خود را «انعکاس اخبار متفی» یا «انعکاس متفی اخبار» قرار داده است. جالب آنکه در این برنامه، مشارکت مخاطبان ایرانی طلب می‌شود اما نحوه طرح پرسش‌ها و مدیریت موضوع به‌گونه‌ای است که تامین‌کننده نظرات تهیه‌کننده این برنامه باشد.

البته در مطلب حاضر قصد بررسی جزئی کارکردهای بخش‌های مختلف بی‌بی‌سی فارسی را نداریم و صرفاً به برخی نمونه‌ها اشاره شده است. چرا که این بررسی از حوصله این متن خارج است و درباره کارکردها و سیاست‌های بی‌بی‌سی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌توان ساعت‌ها صحبت کرد و کتاب‌ها نوشت. افرادی نیز که از سوی بی‌بی‌سی به‌عنوان کارشناس مسائل ایران مورد [سوء]استفاده قرار می‌گیرند، عمدتا خارج‌نشینان یا افرادی با سوابق معلوم هستند که نقدی غیرواقعی و جهره‌ای نادرست از تحولات داخلی و بین‌المللی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهند و هدفی جز سیاهنمایی و دلسرد کردن مخاطب ایرانی و پارسی‌زبان ندارند.

بی‌بی‌سی در عین حال در نحوه انعکاس تحولات برای غیرپارسی‌زبانان نیز دستورکار مشخصی دارد و سرویس جهانی این شبکه با تولید محتواهای هدفمند سعی در القای سیاست‌های ضدجمهوری اسلامی خود به مخاطبان دارد.

درباره کارکردهای این شبکه در چگونگی پوشش تحولات بین‌المللی نیز باید به این واقعیت اشاره کرد که هدفگذاری‌های این شبکه با اهداف قدرت‌ها همخوانی دقیقی دارد. در پوشش اخبار مربوط به تحولات سوریه و عراق، به جای آنکه این شبکه سیاست‌های قدرت‌های بزرگ را به دلیل وقوع فجایع ضدانسانی به تصویر بکشد مثلا در ایجاد گروهک تروریستی داعش، سیاست‌های دولت بشار اسد یا دولت شیعی عراق را عامل این فجایع معرفی می‌کند. این شبکه برای القای اینکه داعش، گروهی اسلامی است نیز از کلمه «داعش» استفاده نمی‌کند و از عبارت «دولت اسلامی عراق و شام» برای مرتبط دانستن جنایات فجیع و کوبسابقه این گروهک ضداسلامی با اسلام برای مخاطبان، استفاده می‌کند. همچنین از عبارت دو کلمه‌ای «دولت اسلامی» نیز برای توصیف این جانیان «انگلیس و آمریکا ساخته» شاگرد محمد بن عبدالوهاب استفاده می‌کند ولی به آنها داعش نمی‌گوید(!) در قبال جنایات رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی علیه فلسطینیان نیز رویکرد این شبکه روشن است.

بی‌بی‌سی که رسوایی‌های اخلاقی مجریان و مدیران آن (مانند پرونده «جیمی سویل» که بیش از پیش به آبرو و اعتبار این شبکه لطمه زد) مدتی است این شبکه را درگیر بحث‌ها و تنش‌های داخلی کرده است، در چگونگی پوشش مسائل مرتبط با انگلیس نی